

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هارون خیل شعشی

۰۷ جولای ۲۰۱۱

لشکرگاه های امریکائی و نقشه های استعماری

بخش هشتم

افسانه فواید اقتصادی لشکرگاه های امریکائی

درین بخش رساله، بر افسانه فواید اقتصادی لشکر گاه های امریکائی بحث می کنیم، که در نوشته ها و بیانات حامیان چنین اردوگاه های بیگانه، با مد و شد فراوان، مطرح می گردد. این دسته از نویسندگان و تحلیلگران گول خورده افغان استدلال می کنند، که حضور دایمی عساکر امریکائی در کشور نه تنها خدشه به استقلال سیاسی و حاکمیت ملی ما وارد نکرده، بلکه فواید و محاسن بی شمار اقتصادی نیز در قبال دارد. در نزد این آقایان، فایده بزرگ اقتصادی چنین مراکز نظامی امریکائی در افغانستان این بوده، که دولت امریکا از بابت تأسیس لشکرگاه های خود در کشور ما، به دولت افغانستان، پول هنگفتی تأدیه خواهد کرد.

البته، این کدام مسأله عجیب و حیرت انگیز نبوده، که مقامات امریکائی یک مقدار پول به نام محصول یا تا جایی از مدرک تداوم اردوگاه های خویش در قلمرو ما به رژیم مزدور و گروگان شده کابل، پرداخت خواهد کرد. زیرا هر خریدار در برابر امتعه ای که به دست می آرد، مبلغی به نام قیمت یا ثمن تأدیه می کند. اما سؤال مهم و اساسی درین بحث این خواهد بود، که زمامداران امریکائی چرا بنا به ادعای خود شان از یکسو مسوولیت دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال سیاسی ما را به عهده داشته و از جانبی هم پولی به نام محصول نیز تحویل خزانه دولت افغان می نمایند؟ مگر سر دولتمردان امریکا را مارگزیده است، که مطابق به ادعا های مدافعان و هواخواهان شان از یک جانب به خاطر صیانت از خاک و نوامیس ملی ما نظامیان خویش را به کشتن بدهند؛ برای تمویل لشکرگاه های خود، میلیارد ها دالر خرج و مصرف بر عهده گیرند؛ و از جانبی هم پول هنگفتی به نام محصول یا کمک مالی یا کدام عنوان دیگر استعماری نیز به دولت دست نشانده کابل بپردازند. اگر زیر کاسه، نیم کاسه ای پنهان نباشد، توسل به چنین تشبیه خطرناک و بی فایده، عمل ملا نصرالدین گونه نیست؟ جای تعجب و شگفتی

است، که افغانان طلسم زده ما درین استدلال مضحک، که حتی کودکان مکتب را نیز به تمسخر و خنده وا می دارد، چه تبحر و نبوغی، ملاحظه می کنند؟!

بیانید پیش از پرداختن به مطالعه جوانب گوناگون افسانه فواید اقتصادی مراکز نظامی امریکا در افغانستان، بر این مسأله کمی روشنی اندازیم، که نظامیان امریکائی چرا مطابق به ادعا های مدافعان و هواخواهان شان از یک سو به خاطر دفاع از خاک و نوامیس ما متحمل تلفات و خسارات می شوند؛ و از جانبی هم نسبت موجودیت لشکرگاه های شان در کشور ما، پولی به دولت افغانستان می پردازند؟

چنان که در مباحث قبلی نیز اشاره به عمل آمده، سیاستمداران و ستراتیژیستان امریکائی با تأسیس و تداوم اردوگاه های خویش در کشور ما در واقع تلاش دارند تا از تلفات فزاینده جانی و خسارات کمرشکن مالی خویش درین جنگ ناکام استعماری، جلوگیری به عمل آرند. از جانب دیگر، امریکائی ها ظاهراً از بابت حضور دایمی عساکر شان به برخی کشور ها، نه همه کشور های میزبان، پول می پردازند، ولی در عوض چیز هائی به دست می آرند، که به هیچ صورت با پول پرداخت شده شان تحت عنوان محصول یا کمک های اقتصادی - تخنیکی، قابل مقایسه نمی باشد. در عقب همچو مراکز مخوف و منحوس نظامی، به صورت عام این اهداف و مقاصد خطرناک استعماری قرار دارد :

الف) به یغما بردن ثروت های ملی ملت ها: در مباحث گذشته تذکر به عمل آمد، که افغانستان به داشتن ذخایر عظیم زیر زمینی و موقعیت حساس در انتقال مواد سوخت و منابع سرشار زیرمینی آسیای مرکزی به آب های بین المللی، مورد توجه شدید جهان گشایان امریکائی قرار دارد.

ب) سازماندهی و پیشبرد مداخلات گوناگون در امور داخلی کشور ها: ریزه خواران گوناگون لشکرگاه های امریکائی با قرآن و قسم ادعا دارند، که امریکائیان مستقر در افغانستان هیچ گاه در امور داخلی کشور های همسایه و منطقه دست درازی نخواهند کرد. ازین رو، وجود آن ها برای دفاع کشور در برابر مداخلات و تجاوزات خارجی، به خصوص نظامیگران پاکستان و آخوند های ایرانی، خیلی ضروری می باشد. لیک، عقل سلیم و تجربه های تاریخی هر دو نادرستی چنین یاوه سرائی ها را ثابت ساخته است .

اصل عدم مداخله در امور داخلی کشور ها از اصول اساسی حقوق بین الملل معاصر به حساب می آید . تطبیق درست و دقیق این اصل زرین حقوقی می تواند از جنگ ها، تصادمات و کشیدگی ها در روابط بین المللی، به ویژه همسایگان دور و نزدیک ما، جلوگیری به عمل آرد. اما امریکا با تداوم حضور نظامی اش در کشور ما عملاً بر شعله های بر افروخته آتش، پیترویل می ریزد. پاداش این تهدید ها و مداخلات استعماری امریکا و متحدین ائتلافی اشرا از ده سال بدینسو، مردم مظلوم و زجر دیده افغانستان می پردازند. بنابراین، مداخله در امور داخلی سایر کشور ها را نیز باید به سان مداخله در امور داخلی میهن عزیز خویش، تقبیح و محکوم نمود.

اما درین جا بی مورد نخواهد بود تا توجه خوانندگان گرامی را به چند مثال از مداخلات اشغالگران ائتلافی در امور داخلی کشور ما، معطوف داریم تا خود بر مسند قضاوت نشست و با چشم سر ببینند که ادعای مصونیت تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال سیاسی تحت سایه نکبت بار توپ و تانک بیگانه، تا چه حد واقعیت دارد:

- آیا خواست مردم افغانستان بود، که سرنوشت کشور شان در کنفرانس سال ۲۰۰۱ بُن، به جنایتکاران، تبهکاران، چپاولگران و جاسوسان شناخته شده، واگذار گردد؟ هرگاه کشور ما در اشغال قوای امریکائی قرار نمی داشت، آیا کسی می توانست در امور داخلی کشور ما با چنین وقاحت و پُر روئی مداخله نموده؛ و حق مسلم میلیون ها افغان ستم کشیده را نادیده بگیرد ؟

- همه ما به خاطر داریم، که در عقب در های بسته کنفرانس استعماری بُن، پروژه قانون اساسی رژیم دست نشانده کابل نیز طرح ریزی شد. آیا کسی می تواند از مهندسی مشاوران امریکائی در روند تسوید و تصویب این پروژه تحمیلی، انکار نماید؟

- آیا رسم و دستور کشور ما بود، که اعضای هیأت های رهبری (وزیران، معینان و سایر اراکین بلند رتبه) وزارت های دفاع و داخله به عوض یونیفورم عسکری در لباس های ملکی حضور به هم رسانند؟ هرچند پوشیدن لباس های ملکی توسط مسؤولین اداری وزارت های دفاع و داخله به جای لباس های نظامی و پولیسی در واقعیت کدام مسأله مهمی نبوده، ولی با آن هم مداخله صریح و آشکار بیگانگان در رسوم عسکری و پولیسی ما به حساب می آید.

- تحمیل اقتصاد مصرفی، وارداتی و مافیائی به عنوان سیستم بازار یا بازار آزاد. تغییر لباس اعضای هیأت های رهبری وزارت های دفاع و داخله را شاید همه مابه مثابه مسأله جدی و با اهمیت جلوه ندهیم؛ اما مداخله اشغالگران در امور با اهمیت اقتصادی کشور ما را چگونه توجیه باید کرد؟ بر همگان روشنست، که چه کسانی سیستم «بازار» یا «بازار آزاد» را در عوض سیستم مختلط اقتصادی این کشور، قرار داد؟ شکی نیست، که سیستم اقتصادی بازار درکشور های پیشرفته صنعتی و پاره ای از کشور های روبه انکشاف، به نتایج مفید و مثری دست یافته است. اما این پیروزی ها هرگز بدان معنی نیست، که در همچو کشور ها تمام بخش های اقتصاد از مداخله و نفوذ دولت خارج شده، درحیطه اقتصاد بازار قرار گرفته است. از جانب دیگر در سیستم اقتصادی همچو ممالک برای حمایت از حقوق مردم عادی جامعه ادارات و میکانیزم های خاصی وجود دارد، که می تواند از تقلب ها و تخطی های شرکت های تجاری و تاجران خصوصی، نظارت به عمل آرد.

این گونه ادارات مستقل نظارت کننده و تنظیم کننده درکشور ها می تواند به حمایه حقوق مشتریان و مستهلکین در برابر انحصارگری های شرکت های تجاری تا حدودی یاری رساند. اما تحمیل سیستم بازار درکشور های عقب نگهداشته شده مانند افغانستان بنابه فقدان ادارات نظارت کننده در جامعه از یکسو و چپاولگری و قانون شکنی مسلط بر سیستم اقتصادی از سوی دیگر، این سیستم را به وسیله مبدل ساخته است، که تنها به منافع آزمندانگه گروه های مافیائی داخلی و خارجی و هیأت های حاکم بر مؤسسات مالی بین المللی نظیر صندوق وجهی بین المللی (آی . ایم . ایف)، بانک جهانی و غیره، خدمت می نماید.

- آیا تعرفه های گمرکی و سایر سیاست های اقتصادی ما، ظرف ده سال گذشته، محصول ذهن افغان ها بوده یا به خواست دول اشغالی و سازمان های بین المللی مانند آی . ایم . ایف، بانک جهانی و غیره، عملی می شده است؟ فهرست چنین مداخلات بیرونی در ساحات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور ما خیلی طولیست، که ذکر همه آنها در حوصله این مقاله کوچک نمی گنجد. ولی این مشث نمونه خروار همه بیانگر مداخله آشکار در امور داخلی کشور ما و صدمه بزرگ به استقلال سیاسی ما می باشد.

ج) تمدید و تشدید فعالیت های مؤسسات استخباراتی در افغانستان و منطقه . این مسأله چنان واضح و هویداست، که حاجت به تفسیر و تشریح ندارد. زیرا هموطنان آگاه و هوشمند ما آشکارا می بینند، که به علاوه افغانستان، بسیاری ممالک همسایه ما نیز همین اکنون به مراکز بزرگ و وسیع استخبارات ایالات متحده امریکا و دولت های ائتلافی مبدل شده است. شکی نیست، که این امر فعالیت های استخباراتی کشور های همسایه و منطقه را نیز بیش از پیش تشدید نموده است.

د) **تعذیب و شکنجه مخالفان سیاسی** . چنان که می دانیم دولت ایالات متحده امریکا و سایر متحدین سیاسی- نظامی آن بنا به مخالفت های نیرومند سازمان های دموکراتیک و بشر خواهانه در این کشور ها و احکام صریح کنوانسیون های بین المللی مبنی بر عدم استعمال شکنجه و تعذیب، قادر نیستند مخالفان سیاسی را در داخل قلمرو خویش مورد آزار و اذیت غیر قانونی قرار دهند، ازین رو همچو اشخاص را به گونه آدم ربائیان حرفه ئی از مناطق مختلف جهان اختطاف نموده؛ و به منظور گرد آوری اطلاعات، استنتاج ها، تهدید ها، شکنجه ها و تعذیب های غیر انسانی، به لشکرگاه های شان در مناطق مختلف جهان، گسیل می دارند.

این گونه اختطاف ها یا آدم ربائی ها را که به منظور اهداف غیر قانونی و غیر انسانی شبکه های استخباراتی صورت می گیرد، در زبان سیاسی و حقوقی امروز به نام رندیشن (rendition) یاد می کنند. برخوانندگان آگاه و فرهیخته ما معلوم است، که در زمان حکمرانی جورج دبلیو بُش، تعداد کثیری از انسانان بی گناه در عملیات مخفیانه سی . آی . ای . و سایر سازمان های جاسوسی از کشور های مختلف جهان بی رحمانه ربوده شدند، که احوال شان بعد از سردرگمی چند ماهه بالاخره از زندان های بگرام و گوانتانامو، پدیدار گشت .

با توجه به چنین شرایط و اوضاع آیا مدافعان منتر زده چونی های امریکائی این حقیقت را می پذیرند یا خیر، که کشور آزاده و پر غرور ما از ده سال بدینسو به شکنجه گاه ، توقیف گاه و زندان بدنام نیرو های اشغالگر امریکائی، مبدل شده است . درین زندان سیاه و دهشتناک تفنگداران اشغالگر ، به علاوه مردم مظلوم و بی دفاع ما، اتباع معصوم سایر کشور های جهان نیز تحت عناوین خود ساخته و خود پرداخته تروریست، القاعده، طالب و غیره زندگی جانفرسا و مشقت باری سپری می نمایند.

آیا برای همه ما به عنوان انسان های وطنخواه، روشنفکر و بشردوست جای شرم و خجالت نخواهد بود که بیگانگان مهاجم از کشور آزاد و سربلند ما به حیث زندان و شکنجه گاه هموطنان ما و سایر مردمان جهان، استفاده نمایند؟ آیا می توان در همچو شرایط ننگین و ذلت بار از حاکمیت ملی افغانستان سخن زد؟

اگر کرزی، فهیم، خلیلی، عبدالله عبدالله، قانونی، سیاف، گیلانی، مجددی، سپینتا، احدی، ارسلان، غنی احمدزی و سایر نوکران استعمار آن را حاکمیت ملی جلوه می دهند، وای بر حالی که حاکمیتی مطرح نباشد. ایقان کامل دارم، که هیچ شخص با وجدان، هیچ افغان سربلند و پر غرور این نام سیاه و ننگین را پذیرفته نمی تواند.

ه) **سرکوب کردن و به عقب راندن جنبش های ملی و آزادیبخش کشور میزبان و سایر کشور های منطقه** . این هدف استعماری را نیز همه خوانندگان ارجمند ما در داخل افغانستان و کشور های منطقه به وفرت مشاهده می نمایند. از سی و دو سال گذشته، به خصوص ده سال اخیر جنگ و وحشت همه ما شاهدیم، که آواز جنبش های ملی و آزادیبخش با بی رحمی تمام توسط شبکه های استخباراتی و گروه های تروریستی خاموش می شود.

و) **تهاجم فرهنگی و مذهبی بر کشور میزبان و کشور های گرد و نواح** . نمونه های چنین تهاجم فرهنگی و مذهبی استعمارگران را طی سی و دو سال گذشته، از آن جمله ده سال آخر، به آسانی می توان ملاحظه کرد. اما برای مشاهده عواقب فاجعه انگیز باید چند سال دیگر انتظار کشید. زیرا اثرگذاری فساد فکری و فرهنگی در یک جامعه، مستوجب انقضای مقطع زمانی نسبتاً طولانی است .

ز) **دامن زدن به فساد اخلاقی، ارتکاب جرایم و قانون شکنی های گوناگون** . گرچه مثال های فساد اخلاقی، ارتکاب جرم و جنایت، قانون شکنی و بی مبالاتی عساکر بیگانه را می توان از ده سال بدینسو در گوشه و کنار مختلف کشور خویش، خاصاً پایگاه هوایی بگرام، تا حدودی مشاهده کرد، ولی با آن هم میزان حوادث برملا شده درین زمینه، تصویر درست و حقیقی فساد اخلاقی و جرم و جنایت فزاینده چنین نظامیان فرعون صفت را بدست نمی

دهد. چه، تعمیق و گسترش چنین فساد و جرم زائی نیز محتاج زمان بوده است. اما خوانندگان محترم می توانند تا شمه ای از فساد گستره و جنایت زائی نظامیان امریکائی را در بخش مربوط به فساد لشکرگاه های امریکائی در فلیپین و جاپان، مطالعه نمایند.

ح) آلودگی محیط زیست کشور میزبان و کشور های منطقه از طریق آزمایشات و تمرین های نظامی .

خطر آلودگی محیط زیست توسط عساکر بیگانه را نباید دست کم گرفت. برای توضیح اثرگذاری ناگوار همچو آلودگی ها بر محیط زیست، عاری از دلچسپی نخواهد بود تا شمه ای از ارقام و حقایق پایگاه های نظامی امریکائی ها در فلیپین و جاپان را درینجا نقل نمائیم :

طبق تحقیقات و ارقام منتشره، آب آشامیدنی چاه های مربوط به ساحه پیشین پایگاه هوائی کلارک در فلیپین با تیل و مواد شیمی، آلوده شده است. در بیست و دو (۲۲) محل از جمله بیست و چهار (۲۴) محلی که نمونه های آب ارزیابی گردیده، مقدار عناصر و مرکبات آلوده کننده به شمول سیماب، نایتريت، بکتريای کالیفورم، سرب، دایلدین و محلل ها بیش از مقدار معینه آن در آب آشامیدنی بوده است. این مواد آلوده کننده برای مدت مدیدی در محیط باقی مانده و با راه یابی به زنجیر غذایی، از لحاظ بیالوژیکی تراکم بیشتر می یابد.

یک گزارش سال ۱۹۹۶م در خصوص نوزادانی که مادران شان در مجاورت پایگاه هوائی «کدینای» اوکیناوا زندگی داشته اند، نشان می دهد که وزن این نوزادان در مقایسه با نوزادان سایر مناطق جاپان، به طور چشم گیری کم بوده است؛ و علت آن را غرش طیارات و سایر آواز های مهیب در آن پایگاه هوائی می دانند. آمار صحت حوزوی جاپان در لنگرگاه تحت البحری های هسته ئی ساحل سفید (ایت بیچ) نمایانگر میزان نسبتاً بلندتر لوکیمیا در کودکان و سرطان ها در بالغان می باشد. به گونه مثال در سال ۱۹۹۸م دو زن که مصروف جمع آوری حلزون های صدف دار و گیاه های هرزه در ساحل سفید بودند، از بیماری سرطان جگر، جان دادند. تفصیل بیشتر عواقب زیان بار محیطی لشکرگاه های امریکائی در فلیپین و اوکیناوا جاپان را درین مقاله معلوماتی و تحلیلی اینترنیت، مطالعه نمائید:

<http://www.yonip.com/main/articles/womenmilitary.html>

اهداف و مقاصد استعماری یاد شده نه تنها کشور های میزبان، بلکه سایر کشور های منطقه را نیز با عواقب بس خطرناک در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مواجه می سازد .

از مدافعان و هواخواهان کرا (کرایه) کردن سرزمین مقدس و پُر افتخار ما محترمانه خواسته می شود تا با مرور مجدد بر تاریخ معاصر کشور خویش، ملاحظه نمایند که انگلیسان شاید و استعمارگر با پیشکش کردن هژده (۱۸) لک روپیه امداد سالانه، از حکمروای مزدور و مستبد خویش در کابل، امیر عبدالرحمان خان، چه به دست آوردند؟ مگر تجزیه بی رحمانه سرزمین واحد، قوم واحد، فرهنگ واحد، زبان واحد و بسا مشترکات دیگر، این چنین ارزان و کم بها است؟!

عده ای از مدافعان و هواخواهان لشکرگاه های امریکائی در افغانستان با بی خبری یا پرده پوشی از واقعیت های روشن ادعا می ورزند، که گویا تأسیسات نظامی امریکا در هیچ یک از کشور های جهان، موجب بروز مشکلات و دشواری ها نگردیده؛ ازین سبب گویا در افغانستان نیز باعث مشکل و جنجالی نخواهد شد. در حالی که رسانه های گروهی جهان هر روز حاکی از ارتکاب ده ها جرم و جنایت توسط نظامیان این مراکز استعماری و مظاهرات شدید اعتراضی مردم بومی علیه موجودیت شان می باشد.

درین بخش مقاله از وضع مشکل آفرین و جنجال بر انگیز لشکرگاه های امریکائی در پاره ای از کشور های جهان مختصراً یاد آوری نموده تا هموطنان آگاه و درست اندیش ما خود عواقب فاجعه بار آن را در شرایط به خصوص جامعه سنتی ما، پیشبینی نمایند.

تمام جهانیان آگاه به درستی می دانند، که مردم جاپان همواره به منظور مسدود کردن لشکرگاه های امریکائی در جزایر اوکیناوا آن کشور، به مظاهرات و راه پیمائی های اعتراضی می پردازند. اهالی شهر اوکیناوا از فساد اخلاقی و جرایم گوناگون نظامیان امریکائی، به بینی رسیده اند. مخالفت ها و کشمکش ها بر مسأله چونی های امریکائی در اوکیناوا، یوکیو هاتویاما، صدراعظم پیشین جاپان، را قبل از فرا رسیدن موعد انتخابات وادار به استعفاء کرد. زیرا او در بر آورده ساختن خواست مبرم اعضای حزب خود مبنی بر مسدود ساختن لشکرگاه های امریکائی در اوکیناوا، به شکست مواجه گردیده بود. برای تفصیل بیشتر پهلو های سیاسی این مسأله تشنج آفرین در افکار عامه جاپان، به این صفحات اینترنت، مراجعه نمائید:

<http://www.closesthebase.org/>

<http://people.sabanciuniv.edu/ficici/docs/20070710-Okinawa.pdf>

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/asia/japan/7795734/Japanese-PM-Yukio-Hatoyama-resigns-over-broken-Okinawa-base-promise.h>

http://www.worldpublicopinion.org/pipa/articles/international_security_bt/579.php

اکنون دو - سه کلمه را در خصوص جرم و جنایت نظامیان امریکائی مستقر در اوکیناوا جاپان نیز به عرض باید رساند تا بر سر سپردگان و مدافعان چنین لشکرگاه خوب هویدا گردد، که موافقت با تأسیس مراکز نظامی امریکائی ها در افغانستان علاوه بر عواقب خطرناک سیاسی آن، مشکلات و دشواری های فراوانی در عرصه جنائی نیز، به دنبال خواهد داشت.

مطابق به احصائی منتشره، در سی سال تحویلدهی اوکیناوا به مقامات جاپانی، نظامیان امریکائی مستقر درین جزایر مرتکب پنج هزار (۵،۰۰۰) جرم گردیده، که ده (۱۰) فیصد آن به عنوان جرایم مشدده یا مطابق به دسته بندی قانونگذار کود جزائی افغانستان، به حیث «جنحه و جنایت» شناخته شده است. درین دسته بندی جرایم قتل، تجاوز جنسی، حملات گوناگون بر تمامیت جسمی افراد، سرقت های مسلحانه و غیره شامل است. تفصیل بیشتر در باره چگونگی، دسته بندی و عواقب چنین جرایم را درین وب سایت ها، مطالعه نمائید:

<http://www.davidappleyard.com/japan/jp22.htm>

http://nihon.awardspace.com/okinawa_sofa_crime.html

<http://okinawa-island.blogspot.com/2010/01/list-of-main-crimes-committed-and.html>

به نقل از یک گزارش دیگر، مردم اوکیناوا تصور می کنند(گرچه درین طرز فکر شان، ممکن قدری از احساسات ضد خارجی ها نیز شامل باشد) که توسط «موج مجرمانه» نظامیان لشکرگاه امریکائی محاصره شده اند. از مشکلات دیگر این مراکز جرم زا در اوکیناوا، که سیاستمداران جاپانی از آن جمله هاتویاما - صدراعظم مستعفی، قادر به لغو یا تعدیل آن نشده اند، این بوده که منسوبان نظامی این چونی های امریکائی با آسانی از پنجه قوانین جاپانی فرار می کنند. زیرا بعد از ارتکاب جرم و جنایت شدید تحت بهانه محاکمه و استرداد، به ایالات متحده امریکا فرستاده می شوند. برای جزئیات بیشتر این مسأله، به این صفحه اینترنت مراجعه فرمائید:

<http://thesop.org/story/world/2010/02/03/crime-and-the-us-military-in-okinawa.php>

علی رغم برخی کشور های میزبان، که از مدرک لشکرگاه های امریکائی درکشور شان یک مقدار پول به دست می آرد، دولت جرمنی سالانه حدود یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دالر از بابت چونی های امریکائی، به مقامات آن کشور اعانه می پردازد. تفصیل این خبر را در این لینک اینترنتیت، ملاحظه کنید:

http://www.fluglaerm-kl.de/dl/American_bases_in_Germany_fs.pdf

هر چند حکومت ائتلافی سوسیال دموکرات ها و سبز ها (گرین پارتی) با تهاجم جنایتکارانه ایالات متحده امریکا و بریتانیا علیه عراق مخالفت داشتند، ولی با وصف آن هم ناگزیر بودند تا کشور های مهاجم را در امور نظامی و لوژیستیک، یاری رسانند. فراهم آوری کمک در راه اندازی تجاوز علیه یک کشور مستقل، ثبوت روشن تخطی حکومت ائتلافی سوسیال دموکرات ها و سبز ها از احکام قانون اساسی المان، به حساب می آید. جزئیات بیشتر این موضوع را درین لینک اینترنتیت، مرور نمائید:

<http://www.wsws.org/articles/2003/apr2003/germ-a07.shtml>

خوانندگان آگاه و با فراست ما می توانند با آسانی قضاوت نمایند، هرگاه کشور بزرگ، پیشرفته و نیرومندی مانند المان تحت فشار های مستکبران سیاسی و نظامی امریکائی، از احکام قانون اساسی خود تخطی می ورزد، رهبران سایر کشور ها، مخصوصاً سردمداران مزدور و فقیر ما چه حال خواهند داشت؟! جای هیچ شک و شبهه وجود ندارد، که در موجودیت چونی های امریکائی هیچ گاه حاکمیت ملی و استقلال سیاسی ما مصون از تعرض ها و تعدی های فرعونان امریکائی نخواهد بود.

مبصرین مسائل بین المللی نیکو می دانند، که فعالیت های لشکرگاه های امریکا در فلیپین نیز همواره با مخالفت ها و اعتراض های گوناگون مردم آن کشور مواجه بوده است. درین لینک نیویارک تایمز به برخی ابعاد این گونه جنجال ها و عکس العمل های ناگور، اشاره شده است .

<http://www.nytimes.com/1991/12/28/world/philippines-orders-us-to-leave-strategic-navy-base-at-subic-bay.html>

کاش حامیان لشکرگاه های امریکائی در افغانستان به جای گلو پاره کردن و قلمفرسائی کورکورانه در مدح لشکرگاه های تفنگداران بیگانه یک بار درس های تلخ و ننگین نظامیان امریکائی در فلیپین را مطالعه می نمودند؛ و بالاخره نتیجه می گرفتند، که لشکرگاه های کاوبایان امریکائی یا هر نیروی بیگانه هیچ گاه در ناموس داری و فرهنگ پُر شکوه افغانی ما، جا و گنجایش ندارد.

چنانکه بر همگان معلوم است، فحشای شهر های اولنگاپو و انجلیس هنگام حضور نظامیان امریکائی در «پایگاه بحری خلیج سوبیک» و «پایگاه هوائی کلارک» شهره آفاق بود. این وضع تا سال ۱۹۹۱ م - درست زمانی که آتش فشان «مونٹ پینتوبو» بخش اعظم «پایگاه هوائی کلارک» را منهدم ساخت، ادامه داشت . توضیحات بیشتر درین زمینه را می توانید ازین ویب سایت ها و صفحات اینترنتیت، به دست آورید.

http://en.wikipedia.org/wiki/Prostitution_in_the_Philippines

<http://www.filipinawives.com/memorial.html>

http://www.google.co.uk/#hl=en&q=crimes+in+philippines&aq=1&aqi=g3g-v4g-j3&aql=&oq=crimes+in+phi&pbx=1&bav=on.2.or.r_gc.r_pw.&fp=ecb04e88bccddfc48&biw=1366&bih=620

در سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۰م بیش از چهل و هشت (۴۸) تبعه فلیپینی، که سه چهارم آن زن و کودک بودند، در حواشی لشکرگاه های امریکائی، به شکل وحشیانه به قتل رسیدند. بسیاری سازمان های بشری را عقیده بر اینست، که تعداد کثیری از جرایم و جنایات مربوط به منسوبان لشکرگاه های امریکائی یا اصلاً گزارش داده نشده و یا توسط مقامات فلیپینی عمداً پرده پوشی گردیده است. چه، هیچ یک از نظامیان امریکائی مشمول در همچو حوادث جرمی، در محاکم فلیپینی مورد محاکمه و مجازات قرار نگرفته است.

در شهر اولنگاپو به تنهایی چهار هزار و سه صد و پنجاه و شش (۴,۳۵۶) زن اجازه نامه دریافت نموده تا به عنوان دختر های مهماندار (نام جدید و فیشنی برای فاحشه) ایفای وظیفه نماید. در شهر انجلیس، که حاوی حدود پنج صد (۵۰۰) میخانه است، تعداد این دختر ها به سه هزار و چهار صد سی (۳,۴۳۰) تن می رسد. تعداد این گونه دختر ها در سوئیک به سی صد و چهل و هشت (۳۴۸) و در میلکت به سه صد (۳۰۰) می رسد. این ارقام تعداد واقعی دختران شامل در تجارت جنسی را نشان نمی دهد. زیرا اگر دختران خیابانی که بدون مجوز قانونی مشغول عفت فروشی در بازار اند نیز بر آن ها علاوه گردد، تعداد مجموعی شان تنها در شهر اولنگاپو به حدود نه هزار (۹,۰۰۰) و در شهر انجلیس به حدود هفت هزار (۷,۰۰۰) بالغ خواهد شد.

با گروه کاری ایدز (HIV) در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۹۱ م حداقل چهل و یک (۴۱) قضیه معلوم ایچ. آی. وی. در شهر انجلیس، ثبت شده است، که از جمله مصاب شدگان آن نه (۹) تن قبلاً زندگی شان را از دست داده اند. در کوربای جنوبی، جاپان و فلیپین، کودکانی را که به وسیله نظامیان امریکائی از بطن زنان محلی به دنیا آمده اند، به دیده نفرت و اهانت می نگرند. چنین کودکان، که در بسیاری موارد از جانب پدران شان به دست فراموشی سپرده شده، با مادران بی شوهر خویش بزرگ می شوند. این گونه اطفال نسبت تشابه به رنگ و چهره پدری شان در همه عرصه های زندگی به خصوص تعلیم و تربیه، مورد تعصب و تحقیر سایر هموطنان خویش قرار می گیرند. برای تفصیلات بیشتر درین زمینه، به این مقاله مستند و تحلیلی، مراجعه نمایید:

<http://www.yonip.com/main/articles/womenmilitary.html>

اگر سرسپردگان و مدافعان سینه چاک لشکرگاه های امریکائی به این واقعیت ها و ارقام تکان دهنده نیز وقع نمی گذارند، در آن صورت بهتر است مزدوران حاکم در کابل را مشوره دهند تا برای عواقب ننگین چنین جنایات نابخوشودنی نظیر مسأله زایمان حرامزاده ها، گسترش ایدز و سایر مصائب ناشی از آن نیز، چاره اندیشی کنند. زیرا جائیکه پای این فرعونان نظامی می رسد، وجود شرابخانه ها، رقص خانه، فاحشه خانه ها و ارتکاب جرم و جنایت امر حتمی و ضروری است. شنیده ام، که همزمان با آغاز اشغال میهن مقدس و پُر افتخار ما توسط نیروهای امریکائی، تخم های چنین بی ناموسی ها و رذالت ها نیز کاشته شده؛ و لشکرگاه بگرام درین میان نام خاصی کسب نموده است. نفرین بر همه ناموس فروشان روس مآب و غرب مآب و مسلمان نما و شیطان نما.

مخالفت مردم عادی با چونی های امریکائی در عربستان سعودی نیز، سخن تازه ای نیست. خوانندگان گرانقدر ما به خاطر خواهند داشت، که مقاومت مسلحانه القاعده و سایر مخالفین نظام سعودی در وهله اول متوجه وجود همین لشکرگاه های امریکائی بوده است. زیرا عساکر امریکائی به بهانه جنگ خلیج در عربستان سعودی جاگزین شده بودند؛ و قرار بود تا بعد از ختم مأموریت شان، فوراً خاک عربستان سعودی را ترک بگویند. ولی با توجه به مقاصد استعماری شان در منطقه حساس ستراتیژیک خلیج فارس، از ترک خاک عربستان ابا و ورزیدند. اگر با عکس العمل های شدید و مقاومت مسلحانه مردم این کشور مواجه نمی شدند، تا حال به مثابه مالکان و جاگیرداران آن جا، به اشغال شان ادامه می دادند. تفصیل بیشتر این موضوع را درین وب سایت ها، ملاحظه فرمائید:

http://en.wikipedia.org/wiki/United_States_withdrawal_from_Saudi_Arabia

http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/middle_east/2984547.stm

همه ما می دانیم، که برخی بم افکن های امریکائی در سال ۲۰۰۱م از میدان های هوائی پاکستان بر قلمرو ما حمله کرد؛ و تا کنون عقیده بر آنست، که طیارات بی سرنشین سی . آی . ای . (drone predators) از میدان های هوائی پاکستان، مخصوصاً پایگاه هوائی «شمسی» در ایالت بلوچستان آن کشور، بر قلمر افغانستان و مناطق قبایلی بمباری می کند. این واقعیت به دنبال حمله قاتلانۀ نیروهای امریکائی بر خانه اسامه بن لادن در هیبت آباد پاکستان و بروز اختلافات شکلی میان حکمروایان پاکستان و مقامات امریکائی بیش از پیش هویدا گشت. در حقیقت بعد از وقوع حادثۀ قتل بن لادن بود، که نظامیان پاکستانی برای تسکین احساسات برانگیخته هواداران بن لادن و القاعده، از مسدود ساختن این پایگاه هوائی بر روی طیارات بی سرنشین امریکائی، حرف زدند. شاید این وضع تا حال بخشی از کارزار تبلیغاتی پاکستان و امریکا بوده باشد. علی رغم کتمان حقایق مبنی بر استفاده از پایگاه «شمسی» توسط نظامیان پاکستانی و امریکائی، ازین واقعیت آشکار به هیچ وجه نمی توان انکار کرد، که همه مردم پاکستان، علی الخصوص پشتون های مظلوم و ستم کشیده، در مخالفت شدید با حملات وحشیانه طیارات بی سرنشین امریکائی، قرار دارند. رسانه های گروهی جهان همه روزه شاهد گردهمائی ها و راه پیمائی های مردم پاکستان به صورت اعم و پشتون های جنگ زده به صورت اخص علیه تأسیسات نظامی امریکائی در پاکستان و حملات آن بر مناطق قبایلی اند.

همه شاهدیم، که سراسر قلمرو پاکستان یعنی خاک، آب و فضای آن تاکنون به طور آشکار یا پنهان مرکز فعالیت های نظامی و استخباراتی نیروهای خاص امریکائی و ایجنت های سی . آی . ای . بوده است . همدستی و همکاری مقامات پاکستانی با حلقات نظامی و استخباراتی امریکا، شعله های خطرناکی را دامن زده است، که امنیت و ثبات سراسر این کشور را شدیداً تهدید می کند. از اثر این آشوب ها و بی ثباتی ها طی ده سال گذشته به مردم و اقتصاد پاکستان چنان خسارات بزرگی وارد گردیده است، که کمک های ایالات متحده امریکا با حکومت های پرویز مشرف و زرداری، قطعاً قادر به تلافی آن نمی باشد. معلومات بیشتر درباره برخی پهلو های مربوط به همکاری نظامی پاکستان و امریکا را درینجا، مطالعه نمایند:

<http://www.foxnews.com/politics/2009/02/19/official-confirms-using-pakistan-base-launch-attacks/>

<http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/asia/article5762371.ece>

لشکرگاه امریکائی اینجریلیک در ترکیه نیز مانند سایر چونی های امریکائی در ممالک دیگر، به منظور تقوی نظامیان ترکی در نظام سیاسی این کشور، همکاری در تحکیم امنیت دولت صهیونیستی اسرائیل و اهداف استعماری دیگر امریکا و ناتو در منطقه، بنیانگذاری شده است . بیجا نخواهد بود، درین بخش مقاله از حامیان و دلباختگان حضور دایمی تفکنداران امریکائی در کشور ما، سؤال نمائیم : هرگاه نظامیان و سیاستمداران هویت باخته ترکیه علی رغم حقوق و آزادی های پذیرفته شده جهانی و سنن ملی - اسلامی به زنان خویش، حق پوشیدن چادر(روسری) در ادارات دولتی و مؤسسات تحصیلی را نمی دهند، ما افغان ها نیز باید ازین عمل جاهلانه، کورکورانه و ضد انسانی آنان تقلید به عمل آریم . آیا جای خجالت نیست، در حالی که زنان مسلمان، جز فرانسه، در همه کشور های غربی حق داشتند و حق دارند مطابق به ذوق خویش لباس ببوشند، اما نظامیان و سیاستمداران

متعصب ترکیه تا تاریخ هفتم فیبروری سال ۲۰۰۸م از پذیرش این حق مسلم و انسانی زنان ترکیه، انکار می ورزیدند. سیر تاریخی منع کورکورانه چادر پوشی در ترکیه را درین صفحه ویکیپدیا، مرور نمائید:

http://en.wikipedia.org/wiki/Headscarf_controversy_in_Turkey

هرگاه نظامیان و سیاستمداران ترکی به منظور بقای حیات سیاسی شان به هر طرف دست درازی کنند، ما افغان ها نیز باید کورکورانه از آن تقلید نمائیم؟ آیا ما افغان ها با داشتن عارفی چون مولانا جلال الدین بلخی و متفکر و مبارز بزرگی چون سید جمال الدین افغانی مجبوریم سیاست ترکان هویت باخته را پیشه نمائیم؟! لباس هیچ گاه مانع پیشرفت و ترقی ما نبوده است. ازین رو باید مردم را آزاد گذاشت تا مطابق به ذوق، رسوم و عقاید مذهبی شان، لباس بپوشند.

هرچند ترکیه دارای موقعیت خاص جیو - ستراتیژیک و مشکلات فراوان تاریخی با یونانی ها، قبرس و ارمنی ها بوده، ولی با آن هم اگر به مردم عادی کشورش اختیار داده شود، شاید همین اکنون نه به عضویت در ناتو و نه هم حضور لشکرگاه دایمی امریکا در کشور شان، گردن نهند.

خوانندگان آگاه از تاریخ سیاسی ترکیه به وجه احسن می دانند، که ایالات متحده امریکا همواره از طریق پایگاه نظامی شان در آن کشور و دوستان وفادار خویش در اردوی ترکیه در سرنگونی رژیم های مترقی و دموکراتیک آن کشور، سهم بزرگ و اساسی گرفته اند. برای معلومات بیشتر درباره کودتا های عسکری ترکیه و منازعات تاریخی این کشور با قبرس و ارمنی ها، به این صفحات اینترنت، مراجعه گردد:

http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Military_coups_in_Turkey

<http://www.historyplace.com/worldhistory/genocide/armenians.htm>

http://en.wikipedia.org/wiki/Cyprus_dispute

بالادستی نظامیان غرب مآب در سیستم سیاسی ترکیه مسأله ایست واضح و عیان، که حاجت به بیان ندارد. ترکیه، پاکستان و اسرائیل از جمله سه کشور مشهور جهان است، که اهرم های مهم نظام سیاسی آن همیشه در دست فرمانروایان عسکری آن بوده است. ازین رو پیوسته سعی می کنند تا همزمان با نزدیکی به قدرت های دیگر منطقه و جهان، کشور شان را از وابستگی به ایالات متحده امریکا دور نسازد. به گونه مثال، دولت صهیونیستی اسرائیل را یک لحظه نمی توان بدون کمک های مالی و نظامی ایالات متحده امریکا، تصور کرد.

گذشته ازین، آیا آنچه احياناً به خیر و صلاح ترکیه یا مملکت دیگری باشد، باید حتماً به خیر و صلاح کشور ما نیز باشد؟ مگر تا حال بوی نبرده ایم، که اقتضات و شرایط عینی و ذهنی جوامع مختلف با هم تفاوت های کلی و نسبی دارد. انتقال میخانیکی و کورکورانه سیستم ها و پرزه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک کشور به کشور دیگری همواره توأم با شورش ها، مخالفت ها و دشواری ها بوده است. تاریخ سی و اند ساله کشور جنگ زده و بحران کشیده ما خود مصداق روشن این مدعا است.

از آن چه گفته آمدیم، نتیجه باید گرفت، که مراکز نظامی امریکا در هیچ یک از کشور های جهان، خواست مردمان اصلی و بومی آن نبوده است.

چرا؟

به خاطری که این گونه لشکرگاه های استعماری نه تنها در کشور های میزبان، بلکه در منطقه گرد و نواح به مثابه مراکز خطرناک اسارت، اختناق، غارت گری، فساد پراگنی، تهدید به تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال سیاسی کشور ها، ارتکاب جرایم، تخریب و آلودگی محیط زیست و سایر آفات و آلام محیطی، عمل می کند. درین

لینک اینترنتی، مقیاس مخالفت مردم محلی کشور ها و مناطق مختلف جهان را با لشکرگاه های امریکائی، مطالعه نمائید:

http://www.worldpublicopinion.org/pipa/articles/international_security_bt/579.php

خلای پول یا سایر کمک های اقتصادی استعمارگران را چگونه پُر باید کرد؟

صفحات تاریخ پُر افتخار ملی ما گواهی می دهد، که هموطنان ما می توانند مثل پدران و نیاکان آزاده شان با فقر، بیچارگی و مشکلات گوناگون اقتصادی دست و پنجه نرم کنند، ولی به هیچ وجه حاضر نیستند به خاطر چشم داشت به پول و کمک های مغرضانه اجنبی ها، طوق غلامی آنان را به گردن بیندازند؛ و بدین وسیله اختیار میهن عزیز و سربلند خویش را از دست بدهند. نابود باد کلاهی، که خطر سر به بار آرد.

ما افغان ها باید هرگز ماهیت کمک های مالی بیگانه ها، طرق به دست آوردن و سرانجام پیامد های آن در جامعه خویش را به دیده اغماض ننگریم. به عبارت دیگر هنگام دریافت کمک های مالی بیگانگان باید همواره به این پرسش ها پاسخ بیابیم:

- کشور ها و سازمان های بیگانه برای چه مقصدی پول یا سایر کمک های مالی می دهند؟

- در بدل همچو کمک های خویش، امروز یا فردا، صریح یا ضمنی، چه می خواهند؟

- کمک های شان را به چه نحوی در اختیار ما می گذارند- از طریق رسمی و قانونی و یا به شکل رژیم منافق

آخوندی ایران - دور از انظار عامه، در کابین طیاره، در خریطه های سیاه، به شکل بندل های دالر یا یورو؟

وبالآخره دریافت جواب مقنع به این سوال مهم که پول ها و کمک های غرض آلود بیگانگان می تواند تمامیت

ارضی، حاکمیت ملی و استقلال سیاسی ما را با چه اضرار و خطرات احتمالی، مواجه سازد؟

هرگاه در به دست آوردن پول و کمک های مغرضانه بیگانه ها به این اصول و معیار های معقول توجه ننمائیم، در

آن صورت باید خطرات خدشه دار شدن و حتی نابودی حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و سایر ارزش های پُر اهمیت

ملی خود را نیز بپذیریم.

باید بیدار و هوشیار بود، که استعمارگران مکار مانند سوداگران طماع و فریبکار اقلام باستانی با پرداخت چند

قیران ناچیز، گنجینه های کهن و تاریخی ما را به یغما می برند. باید میراث های گرانبهای تاریخی پدران و نیاکان

آزاده خویش را به هیچ قیمت از دست ندهیم. تصور به دست آوردن فایده در همچو قمار های هلاکت بار، افسانه ای

بیش نیست.

ازین رو، باید برای پیشرفت اقتصادی کشور مان در عوض چشمداشت به محصول تباهن لشکرگاه های

امریکائی، بر منابع سرشار طبیعی، بازوان توانا، مغز های مبتکر، تجارب علمی، اداره موثر، عدالت گستری، کار

خستگی ناپذیر، همبستگی، اخلاص و دلسوزی مردم خویش تکیه نمود. تکیه بر این عوامل سازنده نه تنها مردم ما

رابه سوی پیشرفت و تعالی اقتصادی یاری رسانده، بلکه وطن، آزادی، رسوم و ارزش های فکری - فرهنگی ما را

نیز از گزند هر نوعی از مداخلات و تعرضات بیگانگان، نگاه خواهد ساخت.

ادامه دارد